

آینه‌های روبه‌رو

پیشنهادی برای تماشای «دخترای ننه دریا»

اعتماد کنیم به هنر جوان‌ها



مرضیه بهروز

■ تماشای نمایش عروسکی خالقاله «دخترای ننه دریا» به کارگردانی مریم شوقی را- که در تالار انتظامی مجموعه خانه هنرمندان در دو سانس پنج و شش عصر روی صحنه است و سه چهار روز بیشتر هم از اجرایش باقی نمانده- از دست ندهید این نمایش در جشنواره تئاتر دانشجویی عروسکی دو دوره گذشته، جزو چهار نمایش برگزیده‌ای بود که به پیشنهاد مدیرعامل وقت خانه هنرمندان توسط من انتخاب شد و قرار شد با حمایت و پشتیبانی خانه هنرمندان در این مجموعه روی صحنه برود. دو نمایش نخست روی صحنه رفت اما متأسفانه نمایش سوم یعنی همین «دخترای ننه دریا» به دلیل تغییر مدیریت با مشکلاتی روبه‌رو شد و آن‌طور که باید و شاید حمایت نشد. ۱۰ روز اجرا برای گروه جوانی که خرج کرده‌اند و مبرات کشیده‌اند، جالبگو نیست. تا مردم از اجرای آن باخبر شوند، اجرایش تمام شده و آن‌طور که باید دیده نخواهد شد. کاری بسیار زیبا، پرازنده، خوش‌تصویر، خوش‌محتوا و شاعرانه که دیدنش را بی‌درنگ به همه علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی پیشنهاد می‌کنم. این نمایش بیان تصویری بسیار قوی‌ای دارد و شعر شاملو را که با صدای خودش هم پخش می‌شود، همراه با تصاویری بسیار خالقاله که به درک بهتر مخاطب از مفهوم اشعار کمک می‌کنند، با عروسک‌هایی زیبا و یک موسیقی خیلی خوب توسط یک گروه جوان، به اجرا درآمده است. معمولاً در جشنواره‌های عروسکی دانشجویی با گروه‌های مستعد و خلاق بسیاری روبه‌رو می‌شویم که اغلب به دنبال شیوه‌های نوین و جدیدی برای بیان مفاهیم هستند که این کار اصلا هم آسان نیست و مستلزم کوشش فراوان و همین‌طور عشق فراوان تر است. و خب همه می‌دانیم که باید تلاش کنیم تا این گروه‌ها با اجرایشان در بین مردم دیده شوند. این گروه‌ها با اینکه در فستیوال‌های بین‌المللی هم شرکت می‌کنند و آن‌جا هم دیده می‌شوند، اما مخاطبان‌شان در حد همان نمایش حرف‌های نمایش عروسکی باقی می‌مانند و شکی نیست که برای انگیزه دادن به آنها باید شرایطی را فراهم کرد تا این گروه‌های تازه‌نفس بتوانند با مخاطب عام مواجه شوند و هر روز انگیزه بیشتری برای بروز خلاقیت‌هایشان پیدا کنند. فکر کنم دیگر زمان آن رسیده باشد که برای تماشای یک فیلم یا یک نمایش، مثل قبل به دنبال بازیگرهای مطرح و اسامی آشنا نباشیم. گاهی این گروه‌های ناشناخته ما را با هنریشان حیرت‌زده خواهند کرد. کافی است به آنها اعتماد کنیم.

ادامه از صفحه ۱۴

هومواسکر

همه با تعجب به او نگاه کردند. اوستا محمود گفت: «چی می‌گه؟» گفت: «همیگه حیات برهنه.»فرنگیس خاتم گفت: «این حیوون هم فهمیده تو کیسه‌کشی.» کاسکو جعب کشید: «خشک.» نوری حمای با شعف گفت: «الست می‌گید؟» دایی جان گفت: «حیات برهنه مثل همون حموم عمومی، ادما گرفتار دست تو هستند هر جور دلت بخواد کیسشون می‌کشی.» حبیب‌اللهی گفت: «این رو آگامین گفته؟» دایی‌جان گفت: «نه این رو من گفتم.» حبیب‌اللهی گفت: «این آگامین آدم خطرناکی نباشه، افکارش کل دست آدمای جلسه بده.» دایی‌جان گفت: «خطرناک‌تر از اوستامحمود و نوری حمومی نیس. کسی نمی‌فهمه آگامین چی میگه.» نوری حمومی گفت: «این پرزنده رو به روز می‌رم حموم چنان کیسه‌ای می‌کشم که ادب بشه.» کاسکو دوباره گفت: «خشک.» نوری حمومی گفت: «نه، انگار صاحب حمومی هم دانسته.» اوستا محمود گفت: «من هنوز معتقدم این کاسکو باید محاکمه بشه.» دایی‌جان گفت: «برای چی؟» گفت: «گه بره جایی و حرف‌های ما رو لو بده چی؟» دایی جان گفت: «این تا آخر عمرش پیش دکتر می‌مونه.» فرنگیس خاتم گفت: «اوستامحمود استنا درست می‌گه، رو بود و نبودش فکر کنیم.» دایی‌جان گفت: «این خلاف عدلانه کسی رو به خاطر جرمی که هنوز اتفاق نیفتاده مجازات کنیم.» اوستامحمود گفت: «ما پالام خیلی وقتا این کارو می‌کرد، به دونه می‌سزد پس کلام و می‌گفت حواست رو جمع کن.» می‌گفتیم: «پالام من که کاری نمی‌کنم حواسم رو جمع کنم.» می‌گفت: «این رو می‌زنم که یادت باشه حواست رو جمع کنی.» دایی‌جان گفت: «فکر می‌کنی کارش درست بود؟» گفت: «بله، من هرچی دارم از اون پس گردنی‌ها دارم.» فرنگیس خاتم گفت: «خیلی از دانش‌آموزا رو من بی‌گناه تک می‌زدم. اما وقتی بزرگ می‌شدن ازم تشکر می‌کردن، می‌گفتن اگه ما رو نمی‌زدین بدبختم می‌شدیم، من با اوستا محمود موافقم اخراج این پرزنده به نفع ما و خودشه.» نوری حمومی گفت: «آفرین بر خاتم ناظم.» اوضاع بدجوری دالت علیه کاسکو و عضویش در جلسه می‌شد. من می‌دانستم اگر پرزنده اخراج شود، حبیب‌اللهی دیگر نمی‌آید و جلسه هم از هم می‌پاشد. گفتم: «هजारات پرزندی که زبان نداره تا از خودش دفاع کنه ظلمه...» کاسکو گفت: «ای بحث خفته، خواجه بیل.» جمع تحت‌تاثیر قرار گرفت. فرنگیس خاتم گفت: «باشه رای گیری می‌کنیم.» من و دایی جان و حبیب‌اللهی به بودن کاسکو در جلسه رای دادیم و رای به سه مسووی شدیم. کار داشت گره می‌خورد دایی‌جان گفت: «یک رای هم خود پرزنده، ۴ بر ۳ ما بردیم.» فرنگیس خاتم گفت: «از کجا معلومه؟» دایی‌جان گفت: «از اینکه کسی علیه خودش رای نمی‌ده.» فرنگیس خاتم گفت: «معلوم نیس بودن یا نبودنش کدوم به ضررشه.» کاسکو گفت: «هومواسکر...»



ترانه یلدا

درگذشت ناگهانی بهروز احمدی، آرشیتکت پرکار و محبوب جامعه‌مهندسی، دوستان، همکاران و اعضای صنف معمار و شهرساز را در بهت و اندوه رها کرد. چرا، او که چنین بی‌ادعا بهترین آثار معماری سه دهه اخیر را خلق کرده بود و منبع الهام بسیاری از معماران فعال در رشته معماری ساختمان بود باید در اوج سال‌های بالندگی خود سا را از وجود آرام، سنگین و نازنین‌اش محروم می‌کرد؟ شاید در پس آن لبخند آرام و دوست داشتنی، هزاران دغدغه این حرفه پر تنش و ماجرا نهفته بود؛ که بهروز سرانجام تحملش را نیاورد!

نگاه بهروز احمدی به معماری نگاهی انسانی، واقعی و در عین حال هنر مندانه بود. او مهارت‌های کارکردگرایانه معماری را به هنر پیوند می‌زد تا کاری را اجرا کند که

امیلی امرایی: نوسان قیمت کاغذ این روزها دغدغه اصلی ناشران و عرصه نشر شده است، آنچنان که دیگر ناشران را از یاد برده‌اند. هر صبح تلفن‌های کاغذفروشان بازار ظهیرالاسلام زنگ می‌خورد، درست مثل بازار سکه و طلا قیمت قطعی تا پیش از ظهر مشخص نیست، قیمت هر بند کاغذ ۷۰گرمی به سادگی مشخص نمی‌شود. ظهر دیروز کاغذ ۷۰ گرمی ۱۰۰ در ۷۰ از ۹۳ هزار تومان تا ۸۸ هزار و ۵۰۰ تومان تغییر می‌کرد و کاغذ ۶۰ در ۷۰ هم در بازار تهران نه قیمتی داشت و نه فروشی. ناشران و دست‌اندرکاران کتاب معتقدند وزارت ارشاد و نهادهای دست‌اندر کار می‌توانند این مشکل را زودتر از اینها حل کنند، اما به نظر تدبیر کارسازی هنوز به مرحله اجرا در نیامده است. در واقع بسیاری معتقدند این بحران عرصه فرهنگ را وارد رقابتی نابرابر کرده است؛ رقابتی که در آن ناشرانی که از حمایت‌های دولتی برخوردارند برنده خواهند شد. عدم تثبیت قیمت کاغذ سبب می‌شود ناشران مستقل چالش‌های بیشتری پیش روی داشته باشد و حتی پس از گذر از راهروهای پرپیچ و خم اداره بررسی کتاب باز هم قدرت عمل نداشته باشند.

و این اتفاق در روزهایی می‌افتد که وزیر ارشاد به تازگی در نشست تخصصی بصیرت سیاسی گفته است: «در زمینه انتشار کتاب نیز توانسته‌ایم به توسعه خوبی دست یابیم به طوری‌که در این حوزه رتبه اول را در منطقه به دست آوردیم و این نشان می‌دهد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه خود را برای حمایت از انتشار کتب به نحو مطلوب انجام می‌دهد».

قیمت کاغذ از اوایل سال جاری چنان گریبان عرصه نشر

تقدیر از شیردل و درم بخش



ایستابا؛ تقدیر از کامران شیردل و کیومرث درم‌بخش، مراسم اختتامیه دومین جشن فیلم کوتاه مستقل «خورشید» در فرهنگستان هنر برگزار شد. «کامران شیردل» که در میان تشویق بسیار حاضران بالای صحنه رفت، در سخنان کوتاهی گفت: به همه جوانان گوشه‌ی من، در کاری که می‌خواهند انجام دهند، صبر داشته باشید تا به نتیجه برسند.

ادب‌وهنر

به‌یاد «بهروز احمدی» معمار محبوب جامعه معماران ایران

معمار مردم



و پهلوی اول در میدان توپخانه بود و هم پلان ستاره هشت بر آن نشان از توجه او به تاریخ و نشانه‌شناسی به جای او در کار معماری داشت.

از بی‌شمار آثار معماری بهروز احمدی، تعداد زیادی ساختمان‌های مسکونی و خصوصی زیبایی هستند که اکثرا در تهران- مانند برج مسکونی آیکوه- و برخی در دیگر شهرهای کشور- پردیس شمال در چالوس- ساخته شده‌اند. اما از ساختمان‌های عمومی بهروز می‌توان از حداقل ۱۵ ساختمان مهم عمومی نام برد که هر یک در نوع خود شاخص و بی‌نظیرند؛ مانند ساختمان کتابخانه دانشگاه شیراز، ساختمان کلینیک

۶ ماهه قیمت کاغذ ۵/۶ برابر شد

ناشران در مانده‌تر می‌شوند

شده و با توزیع کاغذ از سوی تعاونی در میان ناشران این

بحران برطرف شود.» محمود آموزگار، دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان می‌گوید: «این روزها خبرهای تاسف‌آوری به گوش می‌رسد. می‌گویند در بازار، دلال‌هایی هستند که کاغذ را از کل انبارها می‌خرند و درست در روزی که هیچ کاغذی در بازار نیست، قیمت کاغذ را بالا می‌برند.»

این در حالی است که نوسان قیمت کاغذ سبب شده است که قیمت کتاب سخت دستخوش تغییر شود. در واقع دیگر در معادلات نشر، قیمت هر صفحه از کتاب برای رسیدن به کمترین سود ممکن نباید کمتر از ۴۵ تومان محاسبه شود. محمود آموزگار به تازگی آمار قابل تاملی را در اختیار مطبوعات گذاشته است: «ارزش پشت جلد کتاب‌های منتشرشده در سال ۱۳۸۹ مبلغ ۶۷۰میلیارد تومان بود. این مبلغ در سال ۱۳۹۰ با افزایش ۱۰۰ میلیارد تومانی روبه‌رو شد. جالب است بدانید در چهارماه اول امسال (از فروردین تا آخر تیر) کل قیمت پشت جلد کتاب‌ها به ۲۲۰میلیارد تومان رسیده و اگر هشت‌ماه بیایمانه سال را نیز به همین روال محاسبه کنیم به ۶۶۰میلیارد تومان می‌رسیم که حتی به رقم سال ۸۹ نیز نخواهیم رسید.»

«مرادی» مدیر مرکز پخش «پیام امروز» معتقد است این روزها هیچ چیز به اندازه نوسان قیمت و عدم تثبیت

میر کریمی طراح پوستر بغض



نخستین پوستر فیلم سینمایی «بغض» اولین ساخته بلند رضا درمیشیان رونمایی شد. این پوستر توسط «رضا میر کریمی» کارگردان سینمای ایران و خالق فیلم‌های خیلی دور خیلی نزدیک»، «به حبه قند»، «کودک و سرباز»، «زیر نور ماه»، «به همین سادگی» و «اینجا چراغی روشن است» در دو شکل فارسی و انگلیسی طراحی شده است.

انتظار برای فیلم‌های جدید

سینمای ایران؛ شکست‌ها و نصیحت‌ها

نمایش «آینه‌های روبه‌رو» ممکن است در شهر قم برگزار شود، امیدوارم استقبال مردم قم از این فیلم، فصلی تازه از ارتباط خانوادهای دغدغه‌مند با سینمای اجتماعی ایران را بگشاید. «آینه‌های روبه‌رو» تاکنون در ۳۶ فستیوال جهانی مورد استقبال داوران و تماشاگران قرار گرفته و جوایز قابل اعتنایی را به خود اختصاص داده و برای من بسیار مهم است که بدانم در ایجاد ارتباط با قشر سنتی و مذهبی جامعه خودم چقدر قابلیت دارد.»

نصیحت‌های اسعدیان به شقمقدری

در برنامه هفت همایون اسعدیان و محمدرضا شرفالدین راهکارهای مناسب برای رونق سینمای ایران را بررسی کردند. در بخشی از سخنان مهمانان، بحث به وضعیت مدیریت سینما کشیده شد که همایون اسعدیان در این زمینه گفت: «ما وقتی حلال‌مان خوب است از مرخصی صحبت نمی‌کنیم، بنابراین اگر دنبال راهکار برای رونق می‌گردیم یعنی سینمای‌مان دچار بحران اکران و تولید است.» کارگردان «بوسه‌سین روی ماه» یا یادآوری سخنانش درباره وظیفه پدري مدیریت سینما اظهار کرد:

چشم پزشکی نور (۱۳۸۵)، نمای مجلس شورای ملی در ساختمان هرمی شکل جدید در میدان بهارستان، که جایزه سنگ ایتالیا ۱۹۸۳ را به خود اختصاص داد، یا ساختمان‌های اداری بم یا آجر قرمز و معماری متشخص کویری و بالاخره موزه زاهدان (۱۳۸۸) با هندسه بدیع و در عین حال ساده آن.

بهروز احمدی در کنار کار فشرده معماری، دوره‌های متعددی عضو فعال جامعه مشاوران ایران و انجمن صنفی مشاورین معمار و شهرساز بود و سهم خود را در ارتقای حرفه باقبول مسوولیت‌دیری کمیته‌های فرهنگی در انجبا ادا کرد، زیبایی ساختمان جامعه مشاوران در ولنجک را نیز به او مدیون هستیم. بهروز احمدی در معماری‌اش توجه ویژه‌ای به هندسه، مصالح، مهارت‌های فنی روز و محیط و استفاده‌کنندگان از فضای معماری داشت و نظرش را چنین بیان می‌کرد: «اثر معماری کارا به معماری زیبا و غیر کارا از حیثت دارد.» ای کاش همه معماران جوان از او سرمشق می‌گرفتند. یادش شادا!

قیمت کاغذ، مشکل صنعت نشر نیست. او می‌گوید: «عدم تثبیت قیمت کاغذ از گرانی هم خطرناک‌تر است. در واقع ناشر نمی‌تواند هیچ برنامه‌ریزی برای انتشار کتاب‌هایش انجام بدهد. وقتی قیمت هر بند کاغذ طی یک هفته بارها نوسان پیدا می‌کند ناشر چطور می‌تواند با مولف یا مترجم قرارداد امضا کرده و برنامه‌ریزی کند.»

در واقع در شش ماه گذشته قیمت کاغذ در ایران ۵/۶برابر شده است. به نظر می‌رسد راهکار وزارت ارشاد برای مقابله با این وضعیت چندان ثمرساز نیست چراکه رضوانی به عنوان رییس کارگروه کاغذ به ایسنا می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم با هماهنگی‌ای که با بانک مرکزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام می‌دهیم، سازوکارهای ممکن برای حل مشکل کاغذ را بررسی و از سوءاستفاده‌های احتمالی در این حوزه جلوگیری کنیم تا بتوانیم بازار کاغذ را تعدیل کنیم. شرایط پیش‌آمده به گونه‌ای است که هم تولیدکنندگان کاغذ و هم دست‌اندرکاران توزیع کاغذ آسیب‌های فراوانی می‌بینند. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان کاغذ نیز با دشواری‌هایی مواجه هستند؛ بنابراین ما تلاش می‌کنیم این مسایل را با ساماندهی کنیم.»مسئول کارگروه حل مشکل کاغذ با اشاره به اینکه وزارت ارشاد مسوولیتی در زمینه نشر ندارد اما از آنجا که این مساله متوجه فعالان عرصه نشر است و این فعالان دغدغه‌های خود را با وزارت ارشاد در میان گذاشته‌اند، ما تلاش می‌کنیم تا بتوانیم این دغدغه‌ها را به وسیله مسوولان ذی‌ربط حل کنیم.»

تمدید کنسرت «شجریان» و «پورناظری»



کنسرت موسیقی «آینه‌ها» به آهنگسازی کیخسرو و سهراب پورناظری باخوندگی همایون شجریان و همراهی گروه سیلوش به دلیل استقبال مخاطبان در روز شنبه هشتم مهر در دو سانس ۱۸۳۰ و ۲۱۳۰ تمدید شد این کنسرت در دیویش برگزار می‌شود. بخش اول موسیقی تنبور در مقام اصفهان به همراهی سازهای عود، کنترباس و سازهای کوبه‌ای است.

«سال‌های قبل دیدید که اتحاد سینماگران باعث شد که مساله قاچاق فیلم‌ها در شبکه نمایش خانگی کاملاً حل شود اما آن مسایل به بیکاره رها و به اختلافات دامن زده شد. قبلاً هم گفتم آقای شقمقدری باید برای سینما پدري می‌کردند و نباید یک طرف دعوا را می‌گرفتند. معتقدم به جای آنکه گفته شود منتقدان شش‌ماه هیچ چیز نگویند تا ما کار خودمان را بکنیم باید می‌گفتند در این شش ماه بیا باید حرف‌هایتان را بریزید تا مسایل حل شود.»وی در پاسخ به سوالی درباره اینکه چرا برخی از اهالی سینما اکنون حاضر به کار کردن با سازمان سینمایی نیستند، گفت: «امروز اگر از من هم دعوت کنند به ارشاد بروم، نخواهم رفت. چراکه در سه سال گذشته اتهامات بدی به من زده شد اما این را هم بگویم که ما سینماگران خیلی زود گم‌ول می‌خورسیم و دل می‌دهیم. یعنی با یک کلمه محبت‌آمیز به راحتی می‌توان اهالی سینما را جذب کرد. تنها حرف من این است که پدر باید سعهصدر داشته باشد و برخی از مسایل را تحمل کند، نه اینکه در تمام مدت انرژی مدیریت و سینماگر به یک مشاجره بگذرد.»

بیش از صد نفر از سینماگران در بیانیه‌ای مشترک نسبت به هتک حرمت پیامبر اکرم (ص) و ساخت فیلم موهن واکنش نشان دادند و آن را محکوم کردند. این بیانیه از سوی جشنواره مقاومت منتشر شده است. ساخت این فیلم موهن توسط یک فیلمساز آمریکایی موجب از اعتراض را در میان مسلمانان سراسر جهان برانگیخته است. روز گذشته نیز تعدادی از فیلمسازان شناخته شده ایران در بیانیه‌ای مشترک به آن اعتراض کردند.



چمباتمه

شانه‌بالااندازان

مرضیه رسولی

■ واکنش به مساله کاغذ فقط به ناشران و صاحبان نشریات محدود نمانده. مخاطبان عام کتاب و نشریه هم دربارش حرف می‌زنند و واکنش نشان می‌دهند. حتی آنها که بدون نیاز به خرید نشریه، هرروز جلوی دکه روزنامه‌فروشی می‌ایستند و تیتیر صفحه‌های اول و روی جلد مجلات را مرور می‌کنند یا کسانی که همان مکث را هم نمی‌کنند و هیچ‌رقمه مخاطب روزنامه یا کتاب نیستند، در این باره‌بی‌نظر نیستند. واکنش‌ها متفاوت و بیشتر بسته به این است که منشأ مساله را چه بدانید یا خودتان چقدر دور و نزدیک به موضوع باشید. برای برخی مهم نیست منشأ مساله چه باشد، تاثیری که این مساله در صنعت نشر دارد را تحلیل می‌کنند. بیشتر وقت‌ها تحلیل‌ها بستگی به موضع شخصی آدم‌ها نسبت به کتاب و مجله و روزنامه دارد. این روزها کم نیستند آدم‌هایی که در واکنش به گران شدن کاغذ شانه بالا می‌اندازند (تا حدودی طبیعی است چون این مساله به‌طور مستقیم گریبان آنها را نمی‌گیرد) و اگر بشنوند که در صورت ادامه این روال، حیات نشریات و کتاب‌های چاپی با خطر مواجه می‌شود، می‌گویند خب بشود؟ مگر تا حالا که نشده بود، چقدر مطلب به‌دردهخور در روزنامه چاپ می‌شد و کتاب‌ها چه‌چیز ارزشمندی به زندگی ما اضافه می‌کردند، با بودن آنها زندگی ما چه فرقی می‌کند که با نبودن‌شان؟ کتاب و روزنامه چه دردی از کی دوا می‌کند؟

کتاب و روزنامه کالای لوکس محسوب می‌شود. جزو مباحث اولیه مردم نیست. حتی تعداد قابل توجه از کسانی که خود را اهل مطالعه می‌دانند نظری مشابه دارند. آنها نمی‌گویند کتاب و روزنامه کالایی لوکس است اما استدلال‌شان به همین‌جا ختم می‌شود. به نظرشان چون کتاب‌ها و روزنامه‌ها از مطالب خشن و ناگراآمد آنباشسته شده‌اند، پس ادامه روند نشر هنر بادن پول و انرژی است و اگر تعطیل شود چیزی از دست نمی‌رود، چون چیزی وجود ندارد که از دست برود، و اتفاق گرانی کاغذ بهانه آبرومندانه‌ای برای تعطیلی این روند است. در ذهن این آدم‌ها صنعت نشر خلاصه شده در روزنامه‌نگار و نویسنده، در ناشر و صاحب روزنامه، پس بقیه کسبانی که از این راه کسب درآمد می‌کنند چه می‌شود؟ آیا چون یک صنعت در مقطعی پرتلاش نیست، امکان بازدهی خوب ندارد باید رای به نابودی آن داد؟ اگر نشریات منتشر نشوند، فقط روزنامه‌نگار است که بیکار می‌شود؟ پس کارکنان چاپخانه و توزیع‌کننده و دکه مطبوعات و بقیه کسبانی که کاری در این صنعت انجام می‌دهند چه؟ اگر کارخانه یخچال‌سازی، بازدهی خوبی نداشته باشد و تجهیزات اولیه ساختش گران شود، باز هم رای به نبودن آن، به بیکارشدن کارگرانش می‌دهیم؟ نه، چون باید نیازهای اولیه را چسبید، کتاب و روزنامه جزو نیازهای اولیه نیستند و اگر وجود نداشته باشند اتفاقی نمی‌افتد. ما درباره کار فرهنگی، درباره کالای فرهنگی نظر دیگری داریم. خود را صاحب آن می‌دانیم و فکر می‌کنیم اگر صاحب ناراضی باشد، بودن آن ضرورتی ندارد. کار فرهنگی که معلوم نیست چه‌جوری است باید همیشه زنده و قوی به تلاش خود ادامه دهد. عده‌ای فکر می‌کنند دست‌اندرکارانش از سر شکم‌سیری به این کار رو آورده‌اند و چون ما به آنها توجه می‌کنیم، پس باید سعی کنند لایق این توجه باشند و رضایت ما را برآورده کنند. ما پول می‌دهیم یخچال می‌خریم اما خود را ذی‌حق در صنعت یخچال‌سازی نمی‌دانیم اما خیلی از ما اگر هم روز پول بدهیم، روزنامه‌های فکری می‌کنیم این صفت محتاج تایید و اجازه ما برای ادامه کارش است. اگر راضی نباشیم وجود این صنعت بی‌معنی می‌شود چون این صنعت برای ماست که دارد فعالیت می‌کند و اگر ما نخواهیم نباید باشد. (آمار یکسانی از «ما» وجود ندارد، مشخص نیست چندمن تشکیل می‌دهد «ما» هستند، تعداد کسانی که ما را تشکیل می‌دهند می‌تواند از یک نفر شروع شود و به ۱۰، ۲۰ هزاران نفر برسد. خیلی از من‌ها خود را نماینده ما می‌دانند و به نمایندگی از ما حرف می‌زنند بدون اینکه کسی آنها را به نمایندگی انتخاب کرده باشد.)

به نوشتن نه به عنوان شغلی اقتصادی که دارای ضرورت وجودی و تاریخ است، که به‌عنوان دست‌گرمی و شیرین‌کاری نگاه می‌کنیم. این فکر درباره تلویزیون وجود ندارد چون تلویزیون در حال حاضر قدرتمند است و نیازی به تایید ما، به انرژی گرفتن از ما، به پول ما ندارد اما حالا که صنعت نشر کم‌رقم‌تر است و ما پول آن را تامین می‌کنیم، بهتر است فرصت را از دست ندهیم، اگر کارکنان مشاغل مختلف کار خود را خوب انجام ندهند، بی‌حوصله و بی‌ر‌مق باشند با آنها همدردی می‌شود، کم‌کاری‌شان به پای نامناسب بودن شرایط گذاشته می‌شود و ضعفی که گریبان‌شان را گرفته درک می‌شود، اما این همدلی خیلی وقت‌ها با نویسنده و روزنامه‌نگار وجود ندارد، چون آنها نباید نیازمند همدلی ما باشند، باید در هر شرایطی به کار فرهنگی ادامه دهند و برای ارتقای جامعه بکوشند. گویا مشکلات گریبان بقیه جامعه را می‌گیرد و دور نویسنده و روزنامه‌نگار هالاهی محافظ وجود دارد که مصایب در آنها کارگر نیست.